Discourse of History
Print ISSN: 2383-1944
Online ISSN: 2783-235X
Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

A Typology of the Muhājir Companions' Support for the Ahl al-Bayt and the Responses of the First Three Imams

Seyyed Abdolhamid Tabatabaei ✉[1], **Hossein Abdolmohammadi** [2], and **Hassan Ahmadian Delaviz** [3]

1.Ph.D. Candidate, Department of the History of the Ahl al-Bayt, Faculty of History, Sīra, and Islamic Civilization, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. E-mail: hamidt414@gmail.com

2- History Department of Ahl al-Bayt (AS), Higher Education Complex of Islamic History, Tradition and Civilization, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. E-mail: hosein_abdolmohamadi@miu.ac.ir

3- History Department of Ahl al-Bayt (AS), Higher Education Complex of Islamic History, Tradition and Civilization, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. E-mail: hasan_ahmadiyandelaviz@miu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 2025-07-19
Received in revised form 2025-08-28
Accepted 2025-08-31
Available online 15 June 2026

Keywords:
Imamate;
Ahl al-Bayt;
Muhājir Companions;
Approach of the Infallible Imams;
Supporters.

ABSTRACT

The Muhājir Companions, who were among the earliest believers in the Prophet Muḥammad and played a fundamental role in the formation of the early Islamic community, supported the Imamate of Imam ʿAlī, Imam al-Ḥasan, and Imam al-Ḥusayn after the Prophet's demise for various doctrinal, political, and ethical reasons. This study examines the different patterns of the Muhājir Companions' support for the Ahl al-Bayt during the period of the first three Imams, the factors underlying these forms of support, and the approaches adopted by the Imams (A.S.) toward each group.

Within this framework, doctrinal–ethical, political–social, and economic–personal factors are treated as the independent variables, while the patterns of the Companions' support and the responses of the Imams constitute the dependent variables. Employing a historical-analytical approach and drawing upon authoritative historical and ḥadīth sources, the study demonstrates that the support of the Muhājir Companions can be classified into three categories: doctrinal–ethical, political–social, and economic–personal. In response to each category, the Imams adopted distinct strategies, including strengthening religious understanding, praising loyal supporters, providing material and social assistance, and reforming or criticizing those whose commitment proved weak or inconsistent.

The findings indicate that support rooted in profound doctrinal conviction constituted the most enduring and stable form of allegiance, whereas motivations based primarily on political or economic considerations frequently resulted in instability or deviation. The study further concludes that the prudent and discerning responses of the Ahl al-Bayt (A.S.) played a pivotal role in consolidating the institution of the Imamate and fostering the enduring social identity of the Shiʿi community.

Cite this article: Tabatabaei, SeyedAbdolhamid., Abdolmohammadi, Hosein., & Ahmadiyan Delaviz, Hassan. (2026). A Typology of the Muhājir Companions' Support for the Ahl al-Bayt and the Responses of the First Three Imams). *Discourse of History*, *20* (53), 131-152.

https://doi.org/ 10.22034/SKH.2025.21637.1646

© The Author(s). Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: https://doi.org/ 10.22034/SKH.2025.21637.1646

سخن تاریخ
شاپا چاپی: ۱۹۴۴-۲۳۸۳
شاپا الکترونیکی: ۲۳۵X-۲۷۸۳
Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

گونه‌شناسی روش‌های همراهی صحابه مهاجر با اهل‌بیت(ع) و واکنش سه امام نخست(ع) در برابر آن

سید عبدالحمید طباطبائی [۱]✉، **حسین عبدالمحمدی** [۲]، و **حسن احمدیان دلاویز** [۳]

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای گروه تاریخ اهل بیت(ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی(ص) العالمیه، قم، ایران. رایانامه: hamidt414@gmail.com

۲. گروه تاریخ اهل بیت(ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی(ص) العالمیه، قم، ایران. رایانامه: hosein_abdolmohamadi@miu.ac.ir

۳. گروه تاریخ اهل بیت(ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی(ص) العالمیه، قم، ایران. رایانامه: hasan_ahmadiyandelaviz@miu.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
علمی – پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

کلیدواژه‌ها:
امامت،
اهل بیت(ع)،
صحابه مهاجر،
رویکرد معصومین،
موافقان.

چکیده

صحابه مهاجر که از نخستین مومنان به پیامبر اکرم(ص) بودند و در شکل‌گیری جامعه اسلامی نقش اساسی داشتند، پس از رحلت ایشان به دلایل مختلف اعتقادی، سیاسی و اخلاقی به حمایت از امامت حضرت امام علی(ع)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) پرداختند. این پژوهش به بررسی گونه‌های مختلف همراهی صحابه مهاجر با اهل‌بیت(ع) در دوران سه امام نخست، عوامل شکل‌گیری آن و رویکرد امامان معصوم(ع) در برابر هر دسته می‌پردازد.

در این چارچوب، «عوامل اعتقادی – اخلاقی، سیاسی – اجتماعی و اقتصادی – شخصی» به‌عنوان متغییرهای مستقل و «گونه‌های همراهی صحابه» و «واکنش امامان» به‌عنوان متغییرهای وابسته تحلیل شده‌اند. پژوهش با رویکرد تاریخی – تحلیلی و بر پایه‌ی منابع معتبر تاریخی و روایی نشان می‌دهد که همراهی صحابه مهاجر به سه دسته اعتقادی – اخلاقی، سیاسی – اجتماعی و اقتصادی – شخصی تقسیم می‌شود. در برابر هر دسته نیز امامان معصوم(ع) راهبردهایی چون تقویت معرفت دینی، تمجید از وفاداران، حمایت مادی و اجتماعی و اصلاح یا نقد همراهان سست عهد را به‌کار گرفتند.

یافته‌ها نشان می‌دهد، که همراهی مبتنی بر شناخت عمیق اعتقادی پایدارترین نوع حمایت بوده است، در حالی که انگیزه‌های صرفاً سیاسی یا اقتصادی غالباً به ناپایداری یا انحراف انجامیده است. نتایج حاکی از آن است، که واکنش حکیمانه اهل‌بیت(ع) نقشی اساسی در تثبیت جایگاه امامت و شکل‌گیری پایدار هویت اجتماعی شیعه داشته است.

استناد: طباطبائی، سیدعبدالحمید ؛ عبدالمحمدی، حسین ؛ و احمدیان دلاویز، حسن (۱۴۰۵). گونه‌شناسی روش‌های همراهی صحابه مهاجر با اهل‌بیت(ع) و واکنش سه امام نخست(ع) در برابر آن. *سخن تاریخ*، ۲۰ (۵۳)، ۱۵۲-۱۳۱.
https://doi.org/10.22034/SKH.2025.21637.1646

ناشر: جامعهٔ المصطفی (ص) العالمیه.
© نویسندگان.

مقدمه

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص)، یکی از مهم‌ترین مسایل پیش‌روی جامعه اسلامی، تعیین مرجعیت دینی و سیاسی بود. در میان جریان‌های گوناگونی که در این دوره ظهور کردند، نقش گروهی از صحابه‌ی مهاجر که با وجود فشارهای سیاسی و اجتماعی، به مرجعیت اهل‌بیت(ع) پای‌بند ماندند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این افراد نه‌تنها در تثبیت جایگاه امامت، بلکه در شکل‌دهی تحولات فکری و اجتماعی جهان اسلام، نقشی موثر ایفا کردند.

در این پژوهش، «امامت» به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین کلام شیعه مدنظر است. برخلاف اهل سنت که امامت را صرفا نهادی سیاسی - اجتماعی می‌دانند، در اندیشه امامیه، امامت منصبی الهی است که ادامه راه نبوت و مسؤول هدایت جامعه در امور دینی و دنیوی محسوب می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۱۸، ب، ج ۲: ۲۵). بر اساس این نگرش، امام تنها با نصب الهی و از طریق نص پیامبر اکرم(ص) یا امام پیشین تعیین می‌شود و انسان‌ها در انتخاب او نقشی ندارند (سید مرتضی، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۹).

از ویژگی‌های اساسی امام در نگاه شیعه می‌توان به سه شاخص محوری اشاره کرد: نخست، عصمت به‌معنای مصونیت از گناه و خطا که استمرار رسالت پیامبر را تضمین می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ، ج ۱۲: ۴۰۳)؛ دوم، علم ویژه و الهام غیبی که او را مرجع مطلق معرفت دینی و اجتماعی قرار می‌دهد (طباطبایی، ؟؟، ج ۲۰: ۵۹)؛ و سوم، جامعیت در هدایت و رهبری که او را مقتدای امت در همه عرصه‌ها می‌سازد (همان، بی‌تا، ج ۲: ۲۶۴).

با این حال، روش و چگونگی موافقت اهل‌بیت(ع) در میان صحابه‌ی مهاجر، امری یک‌دست و یک‌نواخت نبود؛ بلکه دلایل و انگیزه‌های گوناگونی در آن دخیل بود. از این‌رو، تحلیل گونه‌های همراهی آنان نیازمند توجه به مبانی اعتقادی امامت است، تا بتوان عوامل شکل دهنده رفتارهای صحابه و واکنش امامان معصوم(ع) را دقیق‌تر ارزیابی کرد.

با این حال، شیوه و میزان موافقت با امامت اهل‌بیت(ع) در میان صحابه‌ی مهاجر یک‌سان نبود. برخی با باورهای عمیق اعتقادی و استناد به نصوص قطعی مانند حدیث غدیر، رابطه‌ای پایدار و هدف‌مند با امامت برقرار کردند، در حالی که گروهی دیگر با انگیزه‌های سیاسی - اجتماعی یا اقتصادی - شخصیتی، حمایت‌هایی مقطعی یا محدود داشتند. این تفاوت‌ها در مبانی و انگیزه‌ها به شکل‌گیری طیف‌های متنوعی از هم‌سویی با اهل‌بیت(ع) انجامید.

پژوهش حاضر با تکیه بر منابع معتبر تاریخی و روایی، به شناسایی و گونه‌شناسی همراهی صحابه‌ی مهاجر با سه امام نخست (علی، حسن و حسین علیهم‌السلام) می‌پردازد و

شاخص‌های فکری، اجتماعی و رفتاری هر دسته را تبیین می‌کند. در این میان، «عوامل اعتقادی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی - عاطفی» به‌عنوان متغییرهای مستقل و «گونه‌های همراهی صحابه» و «واکنش امامان» به‌عنوان متغییرهای وابسته مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

با وجود اهمیت موضوع تعامل صحابه‌ی مهاجر با اهل‌بیت(ع)، پژوهش‌های متمرکز و گونه‌شناسانه در این زمینه نسبتا اندک است و اغلب مطالعات موجود، تنها به‌صورت ضمنی یا پراکنده به این مساله پرداخته‌اند. با این حال، می‌توان به برخی آثار معاصر و پژوهش‌های موضوعی اشاره کرد که هر یک از زاویه‌ای خاص، به ابعاد مرتبط با این بحث پرداخته‌اند.

از جمله‌ی این آثار، می‌توان به مجموعه‌ای از مقالات و رساله‌های تحلیلی اشاره کرد که به تبیین ابعاد مختلف تقابل یا تعامل با اهل‌بیت(ع) می‌پردازند. برای نمونه، کتاب «حدیث ولایت در روایت صحابه» تألیف طلوعی گوگانی، با استناد به منابع معتبر، به بررسی نقش برخی از صحابه در انتقال احادیث ولایت اهل‌بیت(ع) می‌پردازد و در بازسازی تاریخی نقش‌آفرینی صحابه موثر است.

«هم‌چنین در پژوهشی با عنوان گونه‌شناسی عمل‌کرد صحابه در دفاع از اهل‌بیت(ع) تا پایان عصر سفیانی در منابع فریقین تلاش شده است، تا انواع حمایت و دفاع صحابه از اهل‌بیت(ع) در بازه زمانی مشخص (تا پایان حکومت اموی) استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل شود. این تحقیق از منظر روش‌شناسی گونه‌شناسانه، قرابت زیادی با هدف پژوهش حاضر دارد؛ با این تفاوت که دامنه‌ی آن شامل همه صحابه (اعم از مهاجر و انصار) بوده است، در حالی که پژوهش حاضر به‌طور اختصاصی بر صحابه‌ی مهاجر و دوره‌ی سه امام نخست (علی، حسن و حسین علیهم‌السلام) تمرکز دارد، گونه‌بندی متفاوتی شامل اعتقادی - اخلاقی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی - عاطفی ارایه می‌دهد و افزون بر آن، واکنش امامان معصوم(ع) در برابر این همراهی‌ها را نیز تبیین می‌کند.»

«افزون بر این، برخی مطالعات ناظر به تعامل انصار با اهل‌بیت(ع)، با تمرکز بر روابط اجتماعی و قبیله‌ای، الگوهای مختلف حمایت و همراهی را بررسی کرده‌اند. برای نمونه، سعید طالقانی در کتاب تعامل انصار با اهل‌بیت(ع) تاریخچه و نقش انصار در سقیفه و رابطه‌ی آنان با حکومت و امامت امام علی(ع) را تبیین کرده است. با این حال، این اثر صرفا به گروه انصار پرداخته و صحابه مهاجر و گونه‌شناسی تعامل آنان با اهل‌بیت(ع) را مورد بررسی قرار نداده است.»

با وجود این تلاش‌های ارزش‌مند، هنوز پژوهشی جامع و اختصاصی درباره‌ی گونه‌شناسی نگرش صحابه‌ی مهاجر به مساله‌ی امامت و تحلیل شاخصه‌های اعتقادی، سیاسی - اجتماعی و

اقتصادی - عاطفی آنان ارایه نشده است. پژوهش حاضر در تلاش است این خلأ را با رویکردی تحلیلی - تاریخی و مبتنی بر منابع اصیل تا حدی جبران کند. با وجود این تلاش‌های ارزشمند، هم‌چنان کمبود پژوهشی جامع و تفصیلی که به بررسی گونه‌های صحابه‌ی مهاجر هم‌سو با اهل بیت(ع) و واکنش امامان و پیشوایان معصوم(ع) نسبت به آنان بپردازد و عوامل موثر در پایداری یا ناپایداری این هم‌سویی را تحلیل کند، احساس می‌شود.

۲. گونه‌شناسی نگرش‌های صحابه‌ی مهاجر در تعامل با سه امام نخست

بررسی سیر تاریخی دوران سه امام نخست؛ یعنی، امام علی(ع)، امام حسن مجتبی(ع) و امام حسین(ع)، نشان می‌دهد گرایش و حمایت صحابه‌ی مهاجر از امامت ایشان همانند فضای سیاسی و اجتماعی آن عصر، کاملاً یک‌دست و هم‌گون نبود. این حمایت‌ها برخاسته از انگیزه‌ها و زمینه‌های گوناگون اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و حتی منافع فردی بود و هرکدام با تکیه بر باورها و شرایط خاص خود به نوعی با اهل‌بیت(ع) همراهی کامل یا همراهی مقطعی داشته‌اند.

در ادامه، با دسته‌بندی این طیف از صحابه بر اساس مهم‌ترین شاخص‌ها و نمونه‌های تاریخی، به تحلیل نوع حمایت و عوامل پایداری یا ناپایداری آن‌ها پرداخته خواهد شد.

مطالعه‌ی منابع تاریخی و روایی نشان می‌دهد که هم‌سویی صحابه‌ی مهاجر با امیر مومنان امام علی(ع)، امام حسن مجتبی(ع) و امام حسین(ع) به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود:

۱/۲. موافقان اعتقادی - اخلاقی

این طبقه، بدنه‌ی اصلی و هسته‌ی پایدار حامیان امامت را تشکیل می‌داد. آنان افرادی با معرفت عمیق، شناخت روشن از مقام و جایگاه امامان و باور راسخ به مشروعیت الهی ولایت بوده‌اند که در همه‌ی شرایط، فارغ از مصلحت‌های مادی و تهدیدهای اجتماعی، بر سر پیمان خود باقی می‌ماندند. از شواهد تاریخی پیداست، که این افراد، دشمن‌شناسی و بصیرت دینی را عملا در عرصه‌های مختلف به نمایش گذاشتند؛ به‌گونه‌ای که تطمیع، تهدید یا فشار سیاسی هیچ تاثیری در اراده و پای‌بندی‌شان ایجاد نمی‌کرد.

از شمار برجسته‌ترین افراد آن می‌توان سلمان فارسی، ابوذر غفاری، عمار یاسر و مقداد بن اسود را نام برد که مورد تأیید و تمجید مستقیم امامان معصوم(ع) قرار گرفته‌اند (طبرسی،۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۴۱). این چهره‌ها نه‌تنها در دوران بحران‌هایی مانند سقیفه و حکومت عثمان، بلکه در اوج درگیری‌های سیاسی و نظامی نظیر صفین و عاشورا کنار امامان ایستادند و منفعل یا بی‌تفاوت نشدند.

علاوه بر وفاداری عملی، نقش بی‌بدیل آنان در روشن‌گری و تبلیغ ولایت نیز اهمیت دارد؛ گاه

در میان عموم و گاه حتی در جمع صحابه، به‌طور صریح از حقانیت اهل‌بیت(ع) دفاع کردند. از جمله، امام صادق(ع) نقل می‌کند که دوازده نفر از صحابه از جمله سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن اسود و عمار بن یاسر، با ابوبکر مخالفت کردند و با تأکید بر وصایت و حقانیت امام علی(ع) تلاش کردند، تا جامعه را به‌رعایت حقوق اهل‌بیت پیامبر اکرم(ص) هدایت کنند. این روایات نشان می‌دهد که این چهره‌ها نه‌تنها در شرایط بحرانی، بلکه در فعالیت‌های روز مره‌ی تبلیغی و روشن‌گرانه نیز پای‌بند به حق و ولایت بودند (طبرسی، پیشین، ج۱: ۳۰۸ - ۳۰۹).

۲٫۲. موافقان سیاسی - اجتماعی

پس از رحلت پیامبر اکرم(ص)، عده‌ای از بزرگان قریش و رؤسای قبایل با نیت حفظ انسجام اجتماعی و ثبات سیاسی، در کنار اهل‌بیت(ع) قرار گرفتند. این افراد که عمدتا پیوندهای قبیله‌ای و دغدغه‌های اجتماعی برای شان اهمیت داشت، در شرایط عادی همراه امامان بودند و تلاش می‌کردند از ایجاد اختلافات شدید جلوگیری کنند. برجسته‌ترین نمونه‌ی این گروه خالد بن سعید بن عاص بود؛ او خلافت ابوبکر را «غصب حقّ بنی هاشم» می‌دانست؛ اما انگیزه‌ی اصلی‌اش، حفظ موقعیت قبیله‌ای بود و در عمل از دولت ابوبکر و خلفای بعد حمایت و با آن، همراهی کرد (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵ق، ج۲: ۲۹۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج۴: ۹۷).

نمونه‌ی این همراهی در دوره‌ی امام حسن مجتبی(ع) نیز وجود داشت و با پذیرش صلح توسط ایشان، بسیاری از این بزرگان با هدف جلوگیری از جنگ و خون‌ریزی، از حمایت فعال فاصله گرفتند که به نوعی اقدام برای حفظ ثبات و امنیت جامعه بود (راوندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۵۷۴). در واقعه‌ی کربلا نیز، تحت فشارهای شدید سیاسی و نظامی، برخی از این افراد مجبور به اتخاذ مواضع محافظه‌کارانه شدند که بیان‌گر دشواری شرایط آن زمان بود (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۴۵).

با این حال، تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که حمایت صرفا سیاسی و اجتماعی، اگرچه در برهه‌ای از زمان می‌تواند به حفظ آرامش کمک کند؛ اما بدون معرفت و بصیرت عمیق، زمینه‌ساز چالش‌های بعدی خواهد بود. بنابراین، درک درست جایگاه امامان معصوم(ع) لازمه‌ی تداوم وحدت و ثبات در امت اسلامی است.

۳٫۲. موافقان اقتصادی - شخصیتی

در کنار انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی، گروهی از پیروان اهل‌بیت(ع) وجود داشتند، که وفاداری شان ناشی از نیازهای اقتصادی و خصوصیات شخصیتی شان بود. این افراد ممکن بود شناخت کامل و عمیقی از منزلت امامت نداشتند؛ اما پای‌بندی به اصول شخصیتی و رفع نیازهای معیشتی، مبنای رفتار شان بود. وفاداری این گروه تا حد زیادی وابسته به توانایی آن‌ها در

مقاومت در برابر فشارهای اقتصادی و وسوسه‌های دنیوی بود و در مواقعی که مشکلات معیشتی یا اجتماعی شدت می‌یافت، تاب ایستادگی در کنار امام معصوم(ع) کاهش می‌یافت (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج۴: ۳۵).

نمونه‌هایی چون عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب که پس از صلح امام حسن مجتبی(ع) برای حفظ موقعیت قبیله‌ای به دربار معاویه رفت (همان، ۲۴۵)، طلحه بن عبیدالله و زبیر بن عوام که به‌خاطر مناصب و ثروت به جبهه معارضان پیوستند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۸؛ ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج۱: ۲۳۱) و عبیدالله بن عباس که با وعده‌ی انعام مالی به دربار اموی رفت، نشان دهنده‌ی تاثیر فشارهای اقتصادی و جاه‌طلبی بر وفاداری معنوی و پای‌بندی به امامان است (قرطبی، ۱۴۱۲ق، ج۳: ۱۰۰۹).

تحلیل تاریخی نشان می‌دهد این‌ها، هرچند می‌توانند، در شرایط عادی نقش موثری ایفا کنند؛ اما وفاداری شان بیش‌تر مقطعی و مبتنی بر شرایط است و در سختی‌ها و بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز نمی‌توانند تکیه‌گاه اصلی نهضت امامت باشند.

این طبقه‌بندی بر اساس بررسی تطبیقی منابع معتبر تاریخی و روایی از فریقین و با تحلیل مضمون شکل گرفته است. انگیزه‌ها و زمینه‌های همراهی یا فاصله‌گیری صحابه‌ی مهاجر با اهل‌بیت(ع) در سه محور «اعتقادی - اخلاقی»، «سیاسی - اجتماعی» و «اقتصادی - شخصیتی» سامان یافته‌اند. مرور منابع نشان می‌دهد بیش‌تر مصادیق گزارش شده را می‌توان در این سه محور جای داد و عوامل بیرون از آن‌ها یا ذیل یکی از این سه قابل تفسیرند. بنابراین، این تقسیم‌بندی را می‌توان در پرتو داده‌های موجود، رویکردی نسبتا جامع و تا حد زیادی مانع دانست که امکان تحلیل یک‌پارچه و منسجم موضوع را فراهم می‌کند.

۳. عوامل و شاخص‌های گرایش به امامت اهل‌بیت(ع)

۳/۱. موافقان اعتقادی - اخلاقی؛ مومنان بصیر، ولایت‌مدار و الگوی پایداری در راه امامت

از میان تمام یاران همراه با امامت اهل‌بیت(ع)، «موافقان اعتقادی - اخلاقی» از جایگاهی ممتاز و ویژه‌ای برخوردارند؛ چرا که گرایش شان، برخاسته از ایمان قلبی، معرفت توحیدی و بصیرتی عمیق نسبت به جایگاه امام به‌مثابه‌ی حجت خدا، وصی پیامبر اکرم(ص) و رهبر واقعی امت بود. این‌ها، با درک دقیق از نقش امام در استمرار نبوت، هم در عرصه‌ی اعتقادی و هم در عرصه و صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، حضوری آگاهانه، وفادارانه و مسؤولانه داشتند. بررسی دقیق شخصیت‌های این‌گونه و تحلیل شاخصه‌های فکری و رفتاری شان، می‌تواند تصویری روشن از چهره‌ی یاران واقعی امامت ارایه دهد.

۱/۱/۳. عوامل موثر در شکل‌گیری موافقان اعتقادی

از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده و پایدار کننده‌ی گرایش موافقان اعتقادی به امامان معصوم(ع)، ایمان عمیق به‌مقام امامت به‌عنوان حجت الهی بر مردم است. این باور که امامت جایگاهی مقدس، الهی و موروثی است، منشأ اطاعت و پیروی بی‌چون و چرای آنان از امام می‌شود و رابطه‌ای مستقیم میان خداوند، امام و امت برقرار می‌کند (خزاز رازی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱: ۱۲۳). در این میان، معرفت و شناخت دقیق نسبت به شأن و وظیفه‌ی امام نقش بسزایی دارد؛ چرا که ایمان بدون شناخت کامل، به مرور زمان زمینه‌ساز سستی و بی‌بصیرتی می‌شود. معرفت روشن به جایگاه امامان معصوم(ع) از طریق آگاهی نسبت به آموزه‌های دینی، وقایع تاریخی و ابعاد عرفانی و الهی آنان تامین می‌گردید و مانع از اطاعت بی‌هدف می‌شد.

آیات قرآنی مانند «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ» (نساء/ ۵۹) تاکیدی است بر وجوب تبعیت از امامان معصوم(ع) به‌عنوان ولیِ فقیه و جانشین پیامبر عالی‌قدر اسلام(ص)، که از منظر موافقان اعتقادی، اطاعت از آنان نوعی اطاعت خداوند است و مکلفان موظف‌اند در همه‌ی حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فردی به رهبر معصوم وفادار باشند. این پذیرش ولایت همراه با حق‌گرایی است؛ یعنی، هیچ اطاعتی بدون تشخیص و شناخت حقیقت انجام نمی‌شود. حق‌گرایی به‌معنای اراده‌ی آزادانه و دقیق بر شناخت حق، تصمیم‌گیری بر اساس حق و ایستادگی در برابر باطل است، فارغ از فشارهای دنیوی، سودجویی‌ها و تهدیدهای مادی و سیاسی (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ب، ج ۱: ۵۲۵).

در واقع، در نزد موافقان اعتقادی - اخلاقی، پذیرش ولایت و اطاعت بی‌قید و شرط از امامان معصوم(ع)، امری فراتر از صرف تعلق و احساسات دنیوی بود و مبتنی بر شناخت واقعی جایگاه رفیع امام و تشخیص راه حق و باطل بود. این دو عامل ایمان راسخ و حق‌گرایی در کنار هم، اراده‌ای محکم در آنان ایجاد کرد که در برابر انحراف‌ها، فشارهای سیاسی و اجتماعی و ظلم‌های گسترده هرگز کوتاه نیامدند و پاسدار اصیل آموزه‌های ناب تشیع باقی ماندند (خزاز رازی، پیشین: ۱۲۳). این ماندگاری و استقامت ناشی از آن بود که آنان نه‌تنها به واسطه‌ی تعلقات قبیله‌ای یا منافع مادی، بلکه به‌دلیل باور و معرفت راستین نسبت به امامت، به اطاعت و وفاداری خود ادامه دادند و نمونه‌های بارزی از تبعیت آگاهانه و مقاومت در تاریخ تشیع شدند.

۲/۱/۳. شاخصه‌های اصلی

موافقان اعتقادی - اخلاقی از چارچوبی عقیدتی، رفتاری و گفتاری برخوردارند، که مبنای هویتی و عمل‌کرد آنان را در عرصه‌های سیاسی، دینی و اجتماعی تشکیل می‌دهد. تحلیل شاخصه‌های رفتاری این افراد، به‌ویژه در سه محور کلیدی تبعیت‌پذیری، حق‌گرایی و

ظلم‌ستیزی، تصویری روشن از ماهیت و کارکرد این جریان ارایه می‌دهد، که در ادامه به تبیین مفصل هر یک پرداخته می‌شود.

شاخصه‌ی نخست؛ یعنی، تبعیت‌پذیری، در این‌جا به‌معنای اطاعت آگاهانه و مسؤولانه از امام و ولی الهی است. تبعات تبعیت‌پذیری در نزد موافقان اعتقادی بیش از یک پیروی ساده است؛ آنان دارای پای‌بندی عمیق و آگاهانه نسبت به امام و پیشوای معصوم(ع) بوده و اطاعت خویش را نه صرفا از سر جبر یا فشار اجتماعی، بلکه بر اساس ایمان و شناخت مستحکم می‌پذیرند. این اطاعت آگاهانه، بر مبنای اعتقاد به اصالت و حاکمیت ولایت امام در همه‌ی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی است؛ وی را نایب خدا و حجت الهی بر مردم می‌انگارند و اطاعت از او را اطاعت از خود خداوند می‌دانند (منسوب به امام حسن عسکری(ع)، ۱۴۰۹ ق: ۶۲۷؛ خزاز رازی، پیشین، ج ۱: ۱۲۳). این باور از منظر کلامی و فقهی، ظهور حکم الهی است که خداوند در قرآن کریم به امر اطاعت از ولی امر (نساء/ ۵۹) تشریع فرموده و اطاعت از امام را در ردیف اطاعت از پیامبر اکرم(ص) قرار داده است.

از نظر رفتاری، تبعیت‌پذیری این‌ها به‌صورت تبعیت کامل و بی‌چون و چرا در همه‌ی موارد نبوده، بلکه تبعیتی است که همراه با شناخت و انتخاب آگاهانه بوده است؛ بدین معنا که اعضای این گونه پس از شناخت و معرفت نسبت به امام و آرای او، پیروی و اعمال فرمان‌های ایشان را به مثابه اجرای حق می‌دانستند. هم‌چنین، وفاداری آنان حتی در شرایط سخت سیاسی و اجتماعی، مقابله با فشارهای ظالمانه و تحریم‌های اجتماعی بارز و آشکار بوده و این تبعیت را به‌مثابه‌ی نوعی مشارکت فعال و مسؤولانه در حفظ نظام ولایت امام قلم‌داد می‌کردند (مفید، ۱۴۱۳ق، الف، ج ۲: ۹۳).

تبعات این تبعیت مسؤولانه را می‌توان در رویکردهای سیاسی، انقلابی و فرهنگی آنان مشاهده کرد؛ چون در عرصه‌های گوناگون به فرمان ولی خدا عمل می‌کردند، هرچند که ممکن بود بر خلاف خواست‌های قبیله‌ای یا منافع شخصی باشد، بدین ترتیب توانستند، ساختار مستحکمی از وفاداری و هم‌بستگی را در حیات سیاسی - اجتماعی تشیع تشکیل دهند و از انحراف‌ها و فتنه‌ها مصون بمانند (همان، ب، ۲۳۸).

حق‌گرایی شاخصه‌ی رفتاری و معرفتی دیگری است که ریشه در ایمان و معرفت عمیق این افراد نسبت به مقام امامت و آموزه‌های دینی دارد. آنان نه صرفا اطاعت‌کنندگان محض، بلکه جویندگان حقیقت و عدالت بودند که هرگز حاضر به پذیرش ناحق و انحرافات سیاسی و فکری نبودند (ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج ۳: ۴۹). به تعبیردقیق‌تر، حق‌گرایی از منظر موافقان اعتقادی به‌معنای آزاد اندیشی در تشخیص و انتخاب حق، نفی ظلم و فساد و مقاومت در برابر هرگونه

فریب‌کاری و انحراف فکری است.

موافقان معرفتی در نقد جریان‌های ظالم و کژراهه‌های سیاسی پیش‌گام بودند و همواره در مواجهه با قدرت‌هایی که به آسانی از مسیر حق منحرف شده بودند، رویکردی انتقادی داشتند که مبتنی بر حمایت بی‌قید و شرط از حقیقت الهی بود. حق‌گرایی آنان فراتر از یک قاعده‌ی اخلاقی صرف، رویکردی استراتژیک در راستای حفظ استقلال فکری و جهت‌دهی به جامعه دینی به سمت اصالت دینی و ولایت حقیقی امام است (مدنی، ۱۹۸۳ م، ج ۱: ۳۶۳).

این شاخصه موجب تقویت انگیزه برای مقاومت و مجاهدت در راه امامان می‌شد. همان‌گونه که بعد از به خلافت رسیدن ابوبکر، دوازده نفر از صحابه از جمله خالد بن سعید، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن اسود و عمار یاسر، مخالفت خود را اعلام کردند. پس از مشورت با امام علی(ع) و تبعیت از توصیه‌ی ایشان، از اقدام نظامی صرف‌نظر کردند و با وفاداری به اهل‌بیت(ع) و رعایت وحدت امت، تابعیت خود را نشان دادند (طبرسی، پیشین، ج۱: ۷۶).

به‌خاطر این شاخصه بود که عمار یاسر پس از اعتراض به عثمان، مورد ضرب و شتم قرار گرفت و با تحمل سختی‌ها شکر خدا را به‌خاطر صبر در راه دین ادا کرد (ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج۳، ۴۹). هم‌چنین بلال حبشی، پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) از اذان گفتن خودداری کرد، تا از تأیید خلفا پرهیز نماید و با وجود تهدید و تطمیع، وفاداری خود به اهل‌بیت(ع) را حفظ کرد و اصول اخلاقی و دینی را رعایت کرد (مدنی، پیشین، ج۱: ۳۶۳).

این نمونه‌ها نشان می‌دهند، که اطاعت از امام مبتنی بر شناخت حقانیت او است و تنها وفاداری مبتنی بر معرفت، موجب ایستادگی در برابر جریان‌های نفاق و سیاسی کاری می‌شود.

در کنار این دو شاخصه‌ی مهم، ظلم ستیزی به‌عنوان ساحت رفتاری و اعتقادی سوم، نقش بی‌بدیلی در شکل‌دهی رفتار سیاسی و اجتماعی این یاران ایفا می‌کرد. ظلم‌ستیزی از جمله پررنگ‌ترین شاخصه‌های رفتاری این دسته از موافقان اعتقادی است که نمایان‌گر اصول اخلاقی و دینی آنان است. در مفهومی گسترده، آنان سخت به‌مقابله با هرگونه ظلم و جور، چه در سطح فردی و چه در ساختارهای اجتماعی و سیاسی می‌پرداختند؛ به‌ویژه هنگامی‌که حقوق اهل‌بیت(ع) نادیده گرفته شده یا حاکمان وقت به ظلم و استبداد روی می‌آوردند (طبرسی، پیشین، ج ۱: ۳۰۸ - ۳۰۹). این رفتار ظلم‌ستیزانه، ریشه در آموزه‌های اسلامی و فراخوان‌های امام معصوم(ع) برای حمایت از عدالت و مبارزه با ستم‌گری داشت.

از منظر رفتاری، این افراد، حاضر به پذیرش ذلت و سازش با قدرت‌های ظالم نبودند و به رغم تحمل مشکلات و سختی‌های فراوان از جمله تبعید، شکنجه، تحریم و حتی شهادت، به دفاع از حق و اهل‌بیت(ع) می‌پرداختند (ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج ۸: ۲۵۴). این ایستادگی، نه‌تنها از

انگیزه‌ی مذهبی آنان سرچشمه می‌گرفت، بلکه نقشی کلیدی در حفظ هویت شیعی و استمرار امامت در میان جامعه ایفا می‌کرد.

این ظلم‌ستیزی ضمن این‌که نشان‌گر استواری اخلاقی ایشان بود، به‌طور عملی به ایجاد روندی سیاسی – اجتماعی برای مقابله با فساد و استبداد کمک کرد و بستر تشکل‌های مقاومت شیعی را فراهم آورد. آنان با حمایت فعال از امامان و اعتراضات مختلف، نقش فعالی در شکل‌دهی به فرهنگ مقاومت در برابر ستم‌گران ایفا کردند (ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج ۱: ۲۲۱).

۳/۱/۳. شخصیت‌های تاثیرگذار

این شخصیت‌ها در تاریخ اسلام به‌عنوان الگوهای ایمان، وفاداری و استقامت دینی شناخته می‌شوند و در بزنگاه‌های تاریخی از حمایت عملی و روشن‌گری کوتاهی نکردند:

- ابوذر غفاری شاهد نصب امام علی(ع) به جانشینی پیامبر اکرم(ص) در حجّ‌الوداع بود و رسالت خود را در حمایت از ایشان دید؛ حتی نزدیک مرگ وصیت خود را به «امیر مومنان» اختصاص داد و در زمان عثمان به سبب اعتراض به تبعیض مالی تبعید شد (سید بن طاووس، ۱۴۱۰ق، ج۱: ۱۴۶؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج۵: ۵۲۵).
- سلمان فارسی و مقداد بن اسود در برابر خلافت ابوبکر بر حقانیت امام علی(ع) تاکید کردند و در شوراها و پاسخ به پرسش‌های مردم، ولایت علوی را اثبات کردند (طبرسی، پیشین، ج۱: ۳۰۸ - ۳۰۹؛ ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج۱: ۲۲۱).
- عباس که در برابر ابوبکر، با استناد به سنت انبیا، در تعیین وصی، مشروعیت ولایت حضرت امام علی(ع) را یادآور شد و با استدلالی صریح، ادعای به‌دست‌آوردن خلافت به‌نام رسول خدا(ص) یا بیعت مومنان را رد کرد؛ او جایگاه اهل‌بیت(ع) را هم‌چون شاخه‌های درخت پیامبر اسلام(ص) و دیگران را صرفا همسایه آن شمرد (ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج۱: ۲۲۱).
- عمار یاسر فرمانده سپاه میمنه در صفین و پیش‌تر مورد ضرب و شتم عثمان، با صبر و شکر از سختی‌ها عبور کرد و مردم را به مقاومت فراخواند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج۵: ۶۳؛ ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج۳: ۴۹).
- بلال حبشی پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) از اذان گفتن برای خلفا خودداری کرد و تنها به درخواست حضرت فاطمه زهرا(س) یک‌بار اذان گفت تا وفاداری خود به امام علی(ع) نشان دهد (مدنی، پیشین، ج۱: ۳۶۳).

- عبدالله بن عباس برخلاف بسیاری، با عبدالله بن زبیر بیعت نکرد و در مکتوب خود، با یادآوری شهادت امام حسین(ع)، او را شایسته خلافت ندانست (ابن اثیر جزری، پیشین، ج۴: ۱۲۸).
- ام سلمه با تدبیر و وفاداری، پس از قتل عثمان عایشه را از پیوستن به شورشیان بازداشت و حمایت از امام علی(ع) را ادامه داد (قرطبی، ۱۴۱۲ق، ج۴: ۳۹۴؛ بلاذری، پیشین، ج۵: ۵۸۴؛ مفید، پیشین: ۲۳۸).

۲٫۳. موافقان سیاسی ـ اجتماعی؛ همراهانی با انگیزه‌های عمومی

در عصر پس از رحلت پیامبر اکرم(ص)، عده‌ای از بزرگان قریش و رؤسای قبایل به‌ظاهر حامی اهل‌بیت(ع) بودند، ولی انگیزه اصلی‌شان حفظ موقعیت سیاسی و جایگاه اجتماعی بود؛ نه معرفت عمیق به مقام امامت. این افراد که از شناخت حداکثری نسبت به جایگاه امام علی(ع) بی‌بهره بودند، با اتکا به پیوندهای قبیله‌ای و طایفه‌ای، صرفا در بزنگاه‌های عادی در کنار امام قرار می‌گرفتند؛ اما در لحظات حساس تاریخی، هم‌چون جریان سقیفه، با سکوت و سازش خود، حتی یک یاری به حضرت امام علی(ع) نرساندند و عملا به تقویت جبهه‌ی مخالف کمک کردند.

همین بی‌ثباتی در دوره‌ی امام حسن(ع) نیز تکرار شد و برخی بزرگان با کناره‌گیری از یاری آن حضرت، زمینه را برای تثبیت حکومت معاویه فراهم کردند. در نهایت، وقتی امام حسین(ع) در کربلا تن به مظلومیت داد، بسیاری از این موافقان سیاسی در برابر فشارهای عبیدالله بن زیاد یا سکوت کردند یا عملا در صف سپاهیان دشمن قرار گرفتند و به شهادت مظلومانه آن حضرت رضایت دادند. امام حسین(ع) این دست افراد را «بندگان دنیا» نامید که دین را جز در زبان نمی‌جویند (اربلی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱: ۵۷۵).

تجربه‌ی تاریخی نشان داد حمایت صرفا سیاسی و اجتماعی از امامت، اگر با معرفت و بصیرت همراه نباشد، نه‌تنها کمکی به تثبیت حق نمی‌کند، بلکه با تضعیف اصل امامت و ولایت، زمینه‌ی انشقاق امت و تکرار مصائب را فراهم می‌آورد. شناخت صحیح و عمیق از جایگاه امامان معصوم(ع) می‌تواند ضامن وحدت مسلمانان و پاسداری از ارزش‌های اسلامی باشد.

۱٫۲٫۳. عوامل موثر در شکل‌گیری موافقان سیاسی

مهم‌ترین عامل شکل دهنده‌ی این جریان، شرایط و بسترهای اجتماعی و سیاسی بود؛ به‌گونه‌ای که فشارها و روابط قبیله‌ای از جمله علل اصلی همراهی با امامان معصوم(ع) محسوب می‌شد. در آن زمان، ارتباطات قبیله‌ای و پیوندهای عمیق وفاداری به‌گروه خویش چنان قوی بود که بسیاری از افراد، بدون آن‌که جایگاه امامت را به درستی بشناسند، به‌صورت «انقیاد اجتماعی» در کنار امام قرار می‌گرفتند و در نتیجه، قادر به شناخت واقعی دشمن نبودند (سید رضی، ۱۴۱۴ق:

حکمت ۲۶۲).

همین پشتوانه‌ی قبیله‌ای و عدم درک صحیح از جایگاه امامت، موجب شد یاران امام معصوم(ع) به حکمیت روی آورده و از ادامه‌ی درگیری‌ها خودداری کنند (منقری، ۱۴۰۴ ق: ۴۹۰).

هم‌چنین، این نگاه قبیله‌ای و سیاسی باعث شد پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) عده‌ای از قریش و بزرگان قبایل هم‌چون خالد بن سعید بن عاص که اعتقادی راسخ به امامت نداشتند، صرفا برای حفظ موقعیت سیاسی و اجتماعی خود، برخورد ظاهری حمایتی از امام علی(ع) داشته باشند (ابن عبدربه، ۱۴۰۷ه، ج ۵: ۱۱).

در جمع‌بندی، ساختارهای اجتماعی مبتنی بر قبیله‌گرایی، خویشاوندسالاری و اولویت دادن به منافع دنیوی به جای درک دقیق جایگاه امامت، همراهی‌های موقتی و کم‌بصیرتی را رقم زد که نه‌تنها موجب تحکیم جبهه حق نشد، بلکه در لحظات حساس، زمینه‌ساز ترک و تنها گذاشتن امامان معصوم(ع) گردید.

۲/۲/۳. شاخصه‌های اصلی

یکی از بارزترین ویژگی‌های این افراد، تبعیت از ساختارهای اجتماعی و پیروی ظاهری از امامان معصوم(ع) بود، به‌گونه‌ای که آنان بدون شناخت دقیق جایگاه امامت، تنها در کنار امام معصوم(ع) قرار می‌گرفتند. این رفتار بیان‌گر آن است که بسیاری از همراهی‌ها بر پایه‌ی شناخت عمیق و ایمان راسخ نبود، بلکه بیش‌تر تحت تاثیر روابط و فشارهای اجتماعی قرار داشت.

برای مثال، پس از جنگ جمل، مناظره‌ی «حارث بن حوط» با امیر مومنان امام علی(ع) به‌خوبی نشان می‌دهد که فرهنگ قبیله‌ای تا چه حد می‌تواند، مانع دریافت حقیقت شود. حارث که از نظر نسب و تعلق به جبهه‌ای مقابل بود، حتی توان شنیدن استدلال‌های حضرت امام علی(ع) را نداشت. امام علی(ع) با تذکر «تو پای خود را دیدی ولی به اطرافت ننگریستی... حق را نشناخته‌ای تا یاران حق را دریابی و باطل را نفهمیده‌ای تا مخالفان باطل را بشناسی» (سید رضی، پیشین: حکمت ۲۶۲). به این نقص معرفتی اشاره کردند. این حالت، نمونه‌ای از تاثیر محدودیت دیدگاه قبیله‌ای بر فهم مسایل دینی است.

در جنگ صفین، فشارهای اجتماعی و احساس تعلق به قبیله و جامعه باعث شد که وقتی عمرو عاص قرآن‌ها را بر نیزه برد، بخشی از سپاه امام علی(ع) خواهان حکمیت شوند، تا نزاع پایان یابد و وضعیت موجود حفظ شود. این تصمیم، ناشی از فشار تمایلات اجتماعی و توصیه‌های نزدیکان بود که حتی در پیروزی مالک اشتر نیز، توان مقابله با موج تبلیغات سیاسی دشمن را از یاران گرفت و در نهایت حکمیت تحمیل گردید (منقری، پیشین: ۴۹۰). این اتفاقات نشان می‌دهد که وفاداری و شناخت، دو موضوع متمایزند و صرف همراهی ظاهری، تضمینی بر درک حق

نیست.

در چنین فضایی، باید به نقش پشتوانه‌های قبیله‌ای و روابط سیاسی توجه داشت. پس از رحلت پیامبر اکرم(ص)، در مرحله‌ی حساس انتخاب خلیفه، بزرگان قریش و سران قبایل بدون ایمان راسخ به امامت، تنها به انگیزه‌ی حفظ موقعیت و منافع سیاسی، از امام علی(ع) حمایت ظاهری کردند.

شخصیتی مانند خالد بن سعید نیز، که پس از وفات پیامبر اکرم(ص) بیعت با ابوبکر را نپذیرفت، بیش‌تر بر امتیازات خانوادگی بنی هاشم تاکید داشت، تا درک حکمت امامت (ابن اثیر جزری، پیشین، ج ۲: ۲۹۷؛ ابن سعد، پیشین، ج ۴: ۹۷). این موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد رهیافت قبیله‌ای و سیاسی معمولاً بر معرفت حقیقی برتری داشت.

در دوره‌ی امام حسن(ع)، برخی یاران حضرت به‌دلیل اولویت دادن به حفظ آرامش و موقعیت دربار معاویه، از مقاومت در راه حق روی گرداندند. این امر موجب شد امام حسن(ع)، برای جلوگیری از ریخته شدن خون بیش‌تر، به صلح تن دهد؛ صلحی‌که مصداق ضعف پایداری وفاداران و اولویت منافع مادی بر اصول دینی بود (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج۴۴: ۴۳؛ راوندی، پیشین، ج ۲: ۵۷۴).

۳٫۲٫۳. شخصیت‌های تاثیرگذار این گروه

در میان این موافقان سیاسی - اجتماعی، خالد بن سعید بن عاص به‌عنوان نماد شان مطرح است. او از خاندان اموی و نماینده‌ی پیامبر اسلام(ص) در یمن بود. پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) خلافت ابوبکر را «غصب حق بنی هاشم» می‌خواند، اما انگیزه‌اش حفظ احترام و منافع قبیله‌ای بود نه معرفت فلسفی به امامت. او در سقیفه صرفا به ذکر حق هاشمیان اکتفا کرد و در عمل کنار دولت ابوبکر و معاویه ماند (ابن اثیر جزری، پیشین، ج ۲: ۲۹۷).

در جنگ صفین و قضیه‌ی حکمیت، نه سپاه امام علی(ع) را تقویت کرد و نه در برابر فشار معاویه مقاومت کرد و در زمان یزید نیز، با دربار اموی همراه شد و نقش موثری در مهار حرکت امام حسین(ع) داشت (همان).

هم‌چنین بعضی از اعضای بنی هاشم که در ابتدا صرفا به‌خاطر پیوندهای خونی در سقیفه حضور یافتند و توصیه به بیعت با امام علی(ع) داشتند؛ حمایتی که بیش از ایمان، ریشه در منافع و هویت قبیله‌ای داشت و این حمایت، سرانجام با غلبه‌ی انگیزه‌های سودجویانه‌ی دنیوی، به مخالفت آشکار با حضرت امیر مومنان امام علی(ع) انجامید (ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج۶: ۲۹۷؛ بلاذری، پیشین، ج۲: ۵۳؛ ابن اعثم کوفی، بی‌تا، ج۵: ۶۷).

۳٫۳. موافقان اقتصادی - عاطفی؛ همراهانی با انگیزه‌های عاطفی، نیازمحور

در کنار گرایش‌های معرفتی و تعهدات سیاسی - اجتماعی، تعدادی از مسلمانان صدر اسلام نیز، با انگیزه‌های عاطفی و نیاز محور به سمت اهل‌بیت(ع) رفتند. این افراد، بر خلاف موافقان ولایی یا سیاسی، پیوند شان با امامان نه بر مبنای شناخت عمیق کلامی از مفهوم امامت، بلکه مبتنی بر تعلقات خانوادگی، دغدغه‌های اخلاقی، یا مسایل معیشتی بود. همراهی آنان، هرچند در مقاطع مشخصی ثمربخش و اخلاق‌مدارانه بود؛ اما در لحظات بحرانی به‌دلیل غلبه‌ی ملاحظات فردی، سیاسی یا اقتصادی، پایداری لازم را نداشت.

۱٫۳٫۳. عوامل موثر در شکل‌گیری این گروه

شکل‌گیری «موافقان اقتصادی - عاطفی» بر پایه‌ی عوامل متعددی قابل تحلیل است. تعلقات عاطفی به خاندان پیامبر اکرم(ص)، تاثر از فضایل شخصیتی امامان معصوم(ع)، دغدغه‌ی حفظ کرامت خانوادگی، و گرایش به عدالت‌خواهی از مهم‌ترین عناصر روانی - اجتماعی بود که این افراد را به امامان نزدیک می‌ساخت. این پیوند، عمدتا احساسی و غیرنظری بوده و از درکی توحیدی - امام‌شناسانه تغذیه نمی‌کرد. از این‌رو، در رویارویی با سختی‌ها و فشارهای محیطی یا وسوسه‌های مالی، غالبا به تزلزل می‌انجامید.

در تاریخ، بسیاری از این افراد در آغاز مسیر، با نیت‌های خیرخواهانه یا به‌خاطر جایگاه اجتماعی اهل‌بیت(ع) با ایشان همراه شدند؛ اما با ظهور رقابت‌های سیاسی، تهدیدهای نظامی یا پیشنهادهای مالی از سوی مخالفان، از ادامه‌ی مسیر بازماندند. نمونه‌هایی از این افراد پس از صلح امام حسن(ع)، با پذیرش پست‌های حکومتی یا هدایای مالی از سوی معاویه، عملا در جبهه مقابل قرار گرفتند (قرطبی، پیشین، ج۳: ۱۰۰۹).

در نتیجه، این واقعیت تاریخی به‌روشنی اثبات می‌کند که عواطف انسانی، ارزش‌های اخلاقی و دغدغه‌های معیشتی، هرچند نقطه‌ی شروعی برای گرایش به ولایت‌اند؛ اما در صورت فقدان بینش معرفتی و بصیرت دینی، نمی‌توانند ضامن پایداری در مسیر امامت باشند.

۲٫۳٫۳. شاخصه‌های اصلی

موافقان اقتصادی - عاطفی، یک دسته از پیروان اهل‌بیت(ع) هستند، که بیش از هر چیز تحت تاثیر عواطف، تنگناهای معیشتی و فشارهای اقتصادی قرار دارند. این افراد در مقابل تبلیغات مسموم یا فشارهای محیطی ممکن است به انحراف از مسیر حق سوق بدهند. این افراد، در مقاطع مختلف از امامان حمایت می‌کنند؛ اما این حمایت ممکن است به‌دلیل اولویت دادن به نیازهای شخصی و خانوادگی، یا فشارهای اقتصادی، متزلزل شود.

با توجه به این شرایط، می‌توان شاخصه‌های رفتاری این گروه را با رویکردی تحلیلی و جامع

بررسی کرد تا عوامل اثرگذار بر گرایش یا انحراف آنان از مسیر امامت به روشنی آشکار شود.

اولین عامل که بر رفتار این افراد تاثیر می‌گذارد، تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی و فرهنگی است. آگاهی محدود از جایگاه امامت و سنگینی تحوّلات سیاسی - اجتماعی بر روحیه‌ی افراد باعث می‌شود که عده‌ای از مومنان، علی‌رغم نیت اصیل، در مقابل تبلیغات مسموم یا فشارهای محیطی تاب نیاورند. نمونه‌ی بارز این جریان، عبدالله بن جعفر است؛ مردی با پیوند نزدیک به اهل‌بیت(ع) که پس از صلح امام حسن مجتبی(ع)، به‌تدریج از حلقه‌ی همراهان حضرت دور شد و در دربار معاویه مقامی یافت. او حتی لقب «سید بنی هاشم» را از معاویه دریافت کرد، تا موقعیت قبیله‌ای‌اش تحکیم شود (همان، ج ۶: ۲۹۷؛ بلاذری، پیشین، ج ۲: ۵۳؛ ابن اعثم کوفی، پیشین، ج ۵: ۶۷). این مثال نشان می‌دهد چگونه نبود شناخت ریشه‌ای از مقام امامت و غلبه ملاحظات اجتماعی - قبیله‌ای، فردی را که از نظر خانوادگی در درون خاندان اهل‌بیت(ع) قرار داشت، به انحراف از مسیر حق سوق می‌دهد.

دومین عامل که بر رفتار این موافقان تاثیر می‌گذارد، اولویت دادن به‌نیازهای شخصی و خانوادگی است. بسیاری از این معتقدان وقتی زیر فشار معیشت یا مسؤولیت‌های خانوادگی قرار می‌گرفتند، در سال‌های بحران میان امام علی(ع) و مخالفان، دچار تزلزل در اراده می‌شدند. زبیر و طلحه، دو تن از صحابه نام‌دار پیامبر اکرم(ص)، نمونه‌ای از این گونه‌اند. آن‌ها در آغاز خلافت امیر مومنان امام علی(ع) بیعت کردند و در صف یاران حضرت قرار گرفتند؛ اما پس از درخواست منصب و تامین منافع دنیوی که امام علی(ع) قادر یا مایل به واگذاری آن نبود، سمت مخالف را در پیش گرفتند و با تحریک فتنه جنگ جمل، خون صدها، بلکه هزاران مسلمان را بر زمین ریختند (سید رضی، پیشین، خطبه ۱۴۸؛ ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج ۱: ۲۳۱). این واقعه مؤکّد آن است که دغدغه‌های مادی و خانوادگی، اگر با استحکام ایمان توأم نشود، می‌تواند مانع پابرجایی در راه حق شود.

سومین عامل که بر رفتار این افراد تاثیر می‌گذارد، تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی با انگیزه‌های متفاوت است. عده‌ای از موافقان اقتصادی - عاطفی، در مرحله‌ی نخست با نیت کمک به خود و خانواده، به خدمت امامان معصوم(ع) درآمدند؛ اما هنگامی که وسوسه پاداش‌های مادی یا وعده‌های دنیوی قدرت سیاسی در میان بود، حمایت‌شان متزلزل شد. عبیدالله بن عباس در آغاز دوران امام علی(ع) به‌عنوان فرماندار یمن منصوب شد و در آن سمت از بنیان‌های حکومتی حضرت امام علی(ع) دفاع کرد. لیکن در دوران امامت امام حسن(ع)، تحت فشار تطمیع معاویه قرار گرفت و با دریافت انعام مالی از دربار اموی، راه سازش با حکومت بنی‌امیه را در پیش گرفت (قرطبی، پیشین، ج ۳: ۱۰۰۹). این وضعیت گواه آن است که جاذبه‌های دنیوی، حتی کسی

را که سابقه‌ی روشنی در خدمت اهل‌بیت(ع) دارد، می‌تواند از مسیر ولایتی بازدارد.

۳/۳/۳. شخصیت‌های تاثیرگذار این گروه

در این‌جا، افرادی دیده می‌شوند، که به‌دلایل مختلفی از جمله حفظ منزلت خانوادگی یا ملاحظات اخلاقی به اهل‌بیت(ع) گرایش داشتند؛ اما تحت فشارهای بیرونی از مسیر ولایت دور شدند:

۱. عبدالله بن جعفر: با وجود حضور در کنار امام علی(ع) و امام حسن(ع)، به‌دلیل حفظ وجهه قبیله‌ای، به دربار معاویه پیوست (بلاذری، پیشین، ج۲: ۵۳).

۲. طلحه بن عبیدالله: بیعت‌کننده با امام علی(ع) که پس از ناامیدی از امتیازات مالی، در جنگ جمل علیه ایشان جنگید (سید رضی، پیشین، خطبه ۱۴۸).

۳. زبیر بن عوام: مدافع اولیه امام علی(ع) که به انگیزه‌های دنیوی در جنگ جمل علیه او صف‌آرایی کرد (ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج ۱: ۲۳۱).

۴. عبیدالله بن عباس: با سابقه فعالیت در کنار امام علی(ع)، به‌دلیل وعده‌های معاویه، به دربار اموی پیوست (قرطبی، پیشین، ج۳: ۱۰۰۹).

۴. رویکرد اهل‌بیت(ع) در قبال صحابه‌ی مهاجر هم‌سو

مطالعه‌ی تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که اهل‌بیت(ع) در تعامل با گونه‌های مختلف جامعه اسلامی، به‌ویژه موافقان امامت، همواره رویکردی متعادل، حکیمانه و متناسب با شرایط فردی و اجتماعی افراد اتخاذ کرده‌اند. این رویکردها، نه بر مبنای مصلحت‌های سیاسی صرف، بلکه مبتنی بر اصول اصیل معرفتی، اخلاقی و ولایی تنظیم شده بود. از آن‌جا که موافقان امامت طیف‌های گوناگونی داشتند — از مومنان راسخ گرفته تا همراهان ناپایدار و نیازمحور — اهل‌بیت(ع) نیز برخوردهایی متنوع و هدف‌مند برای هدایت، تثبیت ایمان و اصلاح رفتار آنان اتخاذ کردند.

بررسی تاریخی رفتار سه امام نخست، به‌ویژه در دوران خلافت امام علی(ع) و شرایط دشوار دوران امام حسن و امام حسین(ع)، این حقیقت را نشان می‌دهد که آنان در برابر موافقان، نه‌تنها به محبت و تکریم اکتفا نکردند، بلکه در حوزه‌های معرفتی، مادی، سیاسی و حتی انتقاد و اصلاح، تلاش گسترده‌ای برای هدایت آنان به سمت پایداری در مسیر حق انجام دادند. این رویکردها را می‌توان در پنج محور اساسی دسته‌بندی کرد:

۱/۴. تمجید و تکریم

یکی از برجسته‌ترین رویکردهای اهل‌بیت(ع) در قبال یاران راستین، تجلیل علنی از وفاداری و بصیرت آنان بود؛ رویکردی که افزون بر قدردانی، نقش مهمی در الگوسازی دینی و هویتی برای

جامعه شیعی ایفا می‌کرد. امام علی(ع) به‌ویژه نسبت به اصحاب برجسته‌ای چون عمار یاسر توجه ویژه‌ای داشت و در جنگ صفین، او را با تعبیر «برادر و همراه نیکو» ستود و در شهادتش با اندوه، آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را زمزمه کرد (الخزاز، ۱۴۰۱ق، ج۱: ۱۲۳). در خطبه‌ای نیز، با حسرت از فقدان یارانی هم‌چون عمار، ابن تیهان و ذوالشهادتین یاد کرد (سید رضی، پیشین، خطبه ۱۸۲).

امام علی(ع) هم‌چنین در تایید جایگاه عبدالله بن مسعود، ضمن پذیرش ستایش یارانش، وی را شایسته‌ی مدحی فراتر دانست (بلاذری، پیشین، ج۱۱: ۲۲۱). توجه به جایگاه شهدای بنی هاشم، چون حمزه و جعفر، نیز، بخش دیگری از این رویکرد بود؛ چنان‌که آن حضرت تصریح کرد: در صورت حضور آنان، جریان انحراف خلافت ممکن نمی‌بود (کلینی، ۱۴۲۸ق، ج۱۵: ۴۴۶). در نامه‌ای به معاویه نیز، حمزه را شایسته‌ی هفتاد تکبیر از سوی پیامبر اکرم(ص) معرفی کرد (سید رضی، پیشین، نامه ۲۸). امام حسین(ع) نیز در کربلا، به جایگاه حمزه استناد کرد (سید بن طاووس، بی‌تا، ب، ج۱: ۵۳). از دیگر اقدام‌های سنجیده امام علی(ع) در تعامل با یاران، دعوت آنان به صبر و پرهیز از درگیری‌های بی‌ثمر در مواجهه با خلافت ابوبکر بود (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج۲: ۴۶۱). مجموع این شواهد، نشان‌دهنده‌ی الگوسازی اهل‌بیت(ع) از وفاداران واقعی است؛ الگویی مبتنی بر ایمان، بصیرت و وفاداری عملی، با هدف تقویت جبهه‌ی حق علیه باطل، تثبیت هویت شیعی و تقویت علمی و اعتقادی

اهل‌بیت(ع) در تعامل با موافقان امامت، بر تعمیق معرفت دینی و ارتقای بینش اعتقادی تأکید داشتند. این رویکرد، ریشه در رسالت هدایت‌گری آنان داشت و تنها به بیان احکام شرعی محدود نمی‌شد، بلکه انتقال مفاهیم توحیدی، عرفانی و اجتماعی را نیز دربر می‌گرفت. امام علی(ع) با تربیت یارانی چون کمیل و انتقال معارفی عمیق در قالب دعاها و خطبه‌ها، هم‌چون دعای کمیل، پایه‌گذار این مسیر بود (طوسی، ۱۴۱۱ق، الف، ۸۴۴).

خطبه‌های نهج‌البلاغه نشان‌گر اهتمام و توجه حضرت امیر مومنان امام علی(ع) به آموزش عدالت، عقلانیت سیاسی و اخلاق اجتماعی است. امام حسن(ع) نیز ضمن برگزاری جلسات علمی، فلسفه صلح با معاویه را در چارچوب مصالح امت تبیین کرد (قرشی، ۱۴۲۸ق، ج۲: ۲۶۹). امام حسین(ع) نیز با بهره‌گیری از فرصت‌هایی چون موسم حج، خطبه‌های روشن‌گرانه‌ای را درباره‌ی غدیر، مباهله و حدیث ثقلین ایراد کرد (طبرسی، پیشین، ج۲: ۲۹۶).

دعای عرفه، از دیگر آثار ماندگار معرفتی امام حسین(ع)، علاوه بر آموزه‌های عرفانی، ساختار توحیدی دقیق و الهیاتی دارد (سید بن طاووس، پیشین، ج۲: ۷۴). هم‌چنین، آن حضرت با نقد سکوت عالمان زمان، مسؤولیت اجتماعی و سیاسی علم را گوش‌زد کرد (همان). در منابعی چون تاریخ طبری، خطبه‌های افشاگرانه امام حسین(ع) درباره‌ی فساد بنی امیه، تجلی همین دغدغه‌ی

معرفتی است (طبری، پیشین، ج۴: ۲۹۸).

این سیاست فرهنگی، نه‌تنها در تثبیت جایگاه اهل‌بیت(ع) موثر بود، بلکه شالوده‌ای برای پیوند علم و دین در تاریخ اندیشه‌ی شیعی فراهم کرد و میراثی ماندگار در برابر موج تحریف و استحاله دینی به‌جا گذاشت.

۲٫۴. حمایت اقتصادی

یکی از جلوه‌های برجسته‌ی سیاست‌های اجتماعی اهل‌بیت(ع)، حمایت‌های هدف‌مند اقتصادی از پیروان وفادار بود؛ حمایتی برخاسته از رحمت، ولی در عین حال ناظر بر مسؤولیت اجتماعی و عدالت اسلامی. این حمایت‌ها صرفا کمک‌های فردی یا احساسی نبود، بلکه در قالب برنامه‌ای نظام‌مند و عدالت‌محور دنبال می‌شد. امام علی(ع) با توزیع عادلانه‌ی بیت‌المال و مبارزه با تبعیض، دغدغه‌ی تامین معیشت محرومان را داشت (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج۲: ۷۶). امام حسن(ع) و امام حسین(ع) نیز، این سیاست را ادامه داده، کرامت اقتصادی شیعیان را پاس داشتند.

انفاق‌های پنهانی امام علی(ع) و بخشش‌های وسیع و گسترده‌ی امام حسن(ع) ـ که گاه تمام دارایی خود را چند بار در راه خدا بخشیدند ـ افزون بر محرومان جامعه، شامل پیروان وفادار و نیازمند نیز می‌شد و بازتابی از روح زهد و مسؤولیت‌پذیری آنان بود. (یعقوبی، ۱۴۱۳ق، ج۲: ۲۲۶). هم‌چنین، امام علی(ع) در حمایت از مقداد بن اسود، و امام حسن(ع) در شرط‌گذاری برای تأمین مالی شیعیان در صلح‌نامه با معاویه، تامین منابع مالی برای جبهه حق را در اولویت قرار دادند (ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج۱: ۱۸۵). این اقدامات، بیان‌گر نگاه آینده‌نگر اهل‌بیت(ع) به امنیت معیشتی و حفظ عزت پیروان بود.

۳٫۴. پشتیبانی معنوی و اجتماعی اهل‌بیت(ع)

اهل‌بیت(ع) در کنار حمایت‌های مادی، پشتیبانی مستمر معنوی و اجتماعی از پیروان خویش داشتند؛ رویکردی که شامل دفاع از کرامت انسانی، مقابله با تبعیض و اعتراض به ستم پیشگان بود. نمونه‌ی بارز آن، حمایت امام علی(ع) از بلال حبشی در برابر تحقیرهای قومیتی است، که با سخنان قاطعانه، منزلت ایمانی او را برجسته ساخت (منسوب به امام عسکری، پیشین: ۹۰).

در برابر ستم خلفا، اهل‌بیت(ع) نیز همواره کنار یاران مظلوم ایستادند. حمایت عملی امام علی(ع) و حسنین(ع) از ابوذر در تبعید، دفاع از ابن مسعود در برابر توهین عثمان، و حمایت از سلمان و عمار در برابر تهدیدات خلفا، همگی گویای تعهد اهل‌بیت(ع) به عدالت‌خواهی و کرامت انسانی است (بلاذری، پیشین، ۵۲۵؛ طبرسی، پیشین، ج۱: ۱۰۴). هم‌چنین، درج صیانت از جان و مال شیعیان در صلح‌نامه‌ی امام حسن(ع) (امینی، بی‌تا، ج۱۱: ۶) و نامه‌های اعتراضی امام

حسین(ع) نسبت به جنایات معاویه (بلاذری، پیشین، ج۳: ۱۵۳)، استمرار این رویکرد را نشان می‌دهد.

۴/۴. هدایت و اصلاح

یکی از جلوه‌های حکیمانه‌ی رویکرد اهل‌بیت(ع)، تبیین جایگاه امامت و اصلاح درونی جبهه‌ی حق بود. امامان معصوم(ع) صرفا به حمایت عاطفی بسنده نکرده، بلکه با بصیرت و نقد سازنده، به هدایت عناصر متزلزل و اصلاح‌پذیر پرداختند. تبیین حدیث غدیر از سوی امام علی(ع) در واقعه رحبه کوفه و شهادت‌دهی جمعی از صحابه، نمونه‌ای روشن از اثبات مشروعیت امامت و یادآوری حقیقت به جامعه بود (امینی، پیشین، ج۱: ۱۷۴؛ ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج۲: ۲۸۹).

در حوزه‌ی اصلاح، رفتار امام علی(ع) با یارانی چون عبدالله بن عباس، گواهی بر عدم تساهل در فساد اقتصادی است. پس از گزارش سوءاستفاده ابن عباس از بیت‌المال، امام با نامه‌ای قاطع، او را به خیانت متهم ساخت و حقوق عمومی را بازخواست کرد (سید رضی، پیشین، نامه ۴۱؛ بلاذری، پیشین، ج۲: ۱۷۵). این برخوردها، الگویی عملی برای مقابله با فساد در همه اعصار است.

امام حسین(ع) نیز در واقعه عاشورا، نسبت به موافقان سست عقیده موضع اصلاحی گرفت و با خطابه‌های روشن‌گر، آنان را نسبت به‌غفلت دینی و وابستگی به دنیا هشدار داد (حرانی، ۱۴۰۴ق، ۲۳۷). این گروه، گرچه داعیه دوستی با اهل‌بیت(ع) داشتند، ولی در آزمون ایمان و فداکاری، مردود شدند. واکنش امام به آنان، تأکیدی بر جایگاه عمل در کنار ایمان، و مسؤولیت پیروان در مواجهه با ظلم بود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی گونه‌های مختلف همراهی صحابه‌ی مهاجر با اهل‌بیت(ع) در دوران سه امام نخست و عوامل موثر بر آن اختصاص یافت. هم‌چنین واکنش‌های متنوع امامان معصوم(ع) در برابر این همراهی‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. در چارچوب این مطالعه، «عوامل اعتقادی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی - عاطفی» به‌عنوان متغییرهای مستقل و «گونه‌های همراهی صحابه» و «واکنش امامان» به‌عنوان متغییرهای وابسته مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها نشان داد همراهی صحابه‌ی مهاجر در سه طیف اصلی قابل طبقه‌بندی است:

- موافقان اعتقادی - اخلاقی: با شناخت عمیق و ایمان راسخ به امامت، وفاداری بی‌قید و شرط و پایداری طولانی‌مدت داشتند.
- موافقان سیاسی - اجتماعی: بیش‌تر تحت‌تاثیر مصالح و فشارهای اجتماعی و سیاسی، حمایت‌های مقطعی و مصلحت‌آمیز ارایه کردند.
- موافقان اقتصادی - شخصیتی: پیوندشان با اهل‌بیت(ع) بر اساس و پایه‌ی نیازهای مادی یا ویژگی‌های شخصیتی بود و وفاداری شان در برابر فشارهای اقتصادی یا وسوسه‌های دنیوی ناپایدار بود.

در برابر این سه طیف، امامان معصوم(ع) راهبردهایی چندسویه و هدف‌مند به‌کار گرفتند؛ از جمله تمجید و تکریم وفاداران واقعی، تقویت بنیادهای معرفتی و دینی، حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی برای استحکام جبهه‌ی حق، و نقد یا اصلاح همراهان متزلزل.

پاسخ این پژوهش به‌پرسش اصلی چنین است: پایدارترین حمایت از امامت در دوره‌ی سه امام نخست، ناشی از ایمان و معرفت عمیق (گروه اول) بود؛ در حالی که انگیزه‌های صرفا سیاسی یا اقتصادی (گروه دوم و سوم) پایداری اندکی داشتند و گاه به انحراف انجامیدند. رویکرد حکیمانه و متوازن امامان معصوم(ع) در تعامل، هدایت و پشتیبانی از این گروه‌ها، نقشی مهم و به‌سزایی در تثبیت جایگاه امامت و شکل‌گیری هویت پایدار شیعی ایفا کرد.

فهرست منابع

قرآن

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (بی‌تا)، شرح نهج‌البلاغه، به‌کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قم،مکتبة آیةالله مرعشی.
۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (۱۳۸۵ ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
۳. ابن اعثم کوفی، احمد بن علی (بی‌تا)، الفتوح، بیروت، دارالأضواء.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ ق)، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، مطبعه دارالکتب العلمیه.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی (۱۳۷۹ ق/ ۱۹۹۹ م)، مناقب آل أبي‌طالب، تحقیق: محمدحسین آشتیانی و هاشم.رسولی، قم، انتشارات علامه، چاپ اول.
۶. ابن قتیبه دینوری (۱۴۱۰ ق/ ۱۳۷۰ ش)، الإمامة و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء.
۷. ابن عبدربه، احمد بن محمد (۱۴۰۷ ق)، العقد الفرید، تحقیق: مفید محمد قمیحه و عبدالمجید ترحینی، بیروت، مطبعه دارالکتب العلمیة.
۸. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۷۹ش/ ۱۹۹۹ م)، کشف الغمه فی معرفة الائمة، قم، مطبعه الشریف الرضي، چاپ اول.
۹. امینی، عبدالحسین (بی‌تا)، الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ق)، أنساب الأشراف، بیروت، مطبعه دارالفکر
۱۱. حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۱۲. خزاز رازی، علی بن حسین (۱۴۰۱ ق)، کفایة الأثر فی‌النص علی الأئمة الاثنی عشر(ع)، قم، منشورات حیدریه.
۱۳. سید بن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶ ش)، الإقبال بالأعمال الحسنة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. _____ (بی‌تا)، اللهوف علی قتلی الطفوف قم، انتشارات أنوار الهدی چاپ اول.
۱۵. _____ (۱۴۱۰ ق)، الیقین باختصاص مولانا علي(ع) بإمرة المؤمنین، تصحیح محمد باقر انصاری و محمد صادق انصاری، بیروت، مؤسسة الثقلین لإحیاء التراث الإسلامي، چاپ اول.

۱۶. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی نهج‌البلاغه.
۱۷. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق)، الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۳ ق)، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.
۱۹. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق)، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، بیروت، مطبعه دارالتراث.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ق)، مصباح المتهجد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
۲۱. _____ (۱۴۱۴ ق)، الأمالي، قم، دار الثقافة.
۲۲. قرشی، باقر (۱۴۲۸ ق)، حیاة الامام الحسن بن علی(ع)، بیروت، دار البلاغة.
۲۳. قرطبی، یوسف بن عبد الله (۱۴۱۲ هـ / ۱۹۹۲ م)، الاستیعاب في معرفة الأصحاب، تحقیق علي محمد البجاوي، بیروت، دار الجیل
۲۴. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبةالله (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ ق/۱۳۸۸). الکافی، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر.
۲۶. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳/۱۹۸۳). بحار الأنوار، بیروت، دار إحیاء التراث العربی
۲۷. مدنی، علي خان بن أحمد،(۱۹۸۳ م) الدرجات الرفیعة في طبقات الشیعة، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۲۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۹. _____ (۱۴۱۳ق). الجمل و النصرة لسید العترة فی حرب البصرة، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۰. منسوب به امام حسن عسکری(ع) (۱۴۰۹ق). تفسیر منسوب به امام عسکری(ع)، قم: مدرسه الامام مهدی(ع).
۳۱. منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ ق/۱۳۶۲). وقعة صفین، قم، مکتبة آیت‌الله مرعشی نجفی.
۳۲. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب (بی‌تا). تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.